



زنان در جشن نوروزی شاهنشاهی صفوی (با اقتدار همایون شاه‌ها)

داشته باشد و مردان را در چنین روزی به باغ راه دهند. در طول مدت روز، تمام محوطه باغ سفارت انگلیس، به اشتغال ۴۰۰-۳۰۰ زن که در میان آنها شاهزادگان، همسران رجال و زنهای طبقات فقیر دیده می‌شود، درمی‌آید و این عده خود را با دود کردن قلیان و خوردن نقل و شیرینی و کاهو و تریچه سرگرم می‌کنند.

دخترکان ایرانی به تصریح منابع تاریخی، این روز را سرخوشانه به خود متعلق می‌دانستند و آدابی ویژه با انگیزه‌هایی گوناگون برای آن برگزار می‌کردند. آن گونه که عبدالله مستوفی روایت کرده است «در این روز دخترهای بدخت، برای پیدا کردن شوهر، بسبزه گرم می‌زدند و معتقد بودند که تا سبزه‌ها آینه‌آینه حاجت آنها روا خواهد شد، بشرط این که این ذکر را در حین انجام گره زنی گفته باشند: «سبزه‌بدر، سال دیگر، خانه شوهر، بچه به بر.» ولی گره زدن سبزه اختصاص باین حاجت نداشت، زن‌ها برای نیت‌های دیگر و ولو رفتن زیارت کربلا و مشهد هم، این کار را می‌کردند. او همچنین تصویری از یک باغ پدرواش در «سره‌راه خیابان برق» تهران ارائه داده است که در آن «خانم‌ها بداربست مو کنار باغ یوار تاب می‌بستند و تاب می‌خوردند حتی الکتولک و توب بازی هم می‌کردند».

گره زدن سبزه در روز سبزه‌دوم گویا مرتبه‌ها و مرحله‌هایی بیش از آنچه مستوفی نوشته، داشته است. آن گونه که جعفر شهیری در کتاب «پهران قدیم» توصیف کرده، آرزوهای دختران و زنان با یکدیگر تفاوت داشته است. دخترکان در گره نخستن این گونه می‌گفتند «سبزی توی تراز من زردی می‌آید تا پایان، «همه که خوانجی را نیت «سبزه و سبزه‌بختی به شوهر دس بقندی». آنها سپس در گره سوم زیر لب چنین می‌گفتند «کام‌روا - هومم طلای - دستش چلاق» و «مالم فراوان - کارم سامون - خصمم پریشون - سالم به دلخواه - بختم بهمرا». جعفر شهیری از یک نگرانی غالب آگاهی می‌دهد که در آن هنگام پدید می‌آمد است «حتماً باید سبزه‌ها را همراهِ نیت گره بزندان، و همین گره زدن بود که دلپاره و شویش با خود داشت میباید پاره بشوند که در صورت پاره شدن حاجستان روانی‌گرید».

**پایان سخن: زنانه‌هایی پرتنگ و معنادار**  
این اندازه حسوس و بروز زنان در آیین‌های نوروزی، از اوایلین چهارشنبه سال تا بعد کردن سبزه‌ها، از اهمیتی نشان دارد که زنان ایرانی در برگزاری آیین‌های دیرینه و بسر آوردن آداب و سنت‌های آنها داشته‌اند. تأکید منابع تاریخی بر اختصاص پاره‌های مهم از سنت‌ها و آیین‌های نوروزی به زنان، از آن‌رو مهم می‌نماید که این جشن‌ها و مناسبت‌ها اساساً بر مبنای سفرنامه‌ها بیانگر وضعیتی ویژه برای زنان در این روز است. لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در تهران ناصرالدین شاه از شرایطی ویژه سخن می‌راند که در این روز بر باغ‌های برخی سفارتخانه‌های اروپایی حاکم بوده است؛ به روایت فرشته پناهی در کتاب «زن ایرانی در سفرنامه‌ها»، بدین گونه که «چند سالی هم رسم بر این بوده که باغ سفارتخانه‌ها در این روز، اختصاص به زنهای طبقات گوناگون

نارشان می‌گردید». دیگر سنت آیین‌های نوروزی که تنها به دست زنان انجام می‌گرفت، «سبزه سبز کردن» بود. زنان در هر خانواده به تفاوت، از ۱۰ تا ۲۰ روز پیش از نوروز بدین ترتیب به کار یادشده مشغول می‌شدند «زن خانه به تعداد جمعیت خانواده، مشت مشت گندم یا عدس و ماش ... در ظرفی سفالی می‌ریخت و با هر مشت نیت سلامتی و تندرستی و خوشی و خوشبختی و مال و گشایش کرده آن را که به هر یک از اقصاد مربوط می‌گردید سرد و جای گرم نبود در پای گرسی می‌گذاشت و هر روز آب خورد رفته‌اش را به او میرساند تا دانه‌ها در ظرف کچه (نیش) زده به سفیدی گراید. آنگاه در دستمال ریخته سه روز نیز با رطوبت معتدل در دستمال نگاه می‌داشت تا کچه‌هایش قرفه‌ای شده کاملاً نیش‌هایش بالا آمده باشد. سپس در دوری مسی یا پشت‌ناب و دوری چینی و مانند آن و یا مطابق جمعیت خانه به ظرف کوچک و بزرگ پهن کرده روستمال می‌کنید و آب پاشیده روزها در معرض آفتاب و شب‌ها در گرم‌ترین اتاق یا مکان می‌گذاشت تا سبزه‌ها رخ کشیده و به سبزی بیاورند، آنگاه رویان قرمزی به دوش بسته پاپیون می‌گذاشت تا آن راه با حضور زنان در آیین‌ها و مناسبت‌های یادشده اساساً رنگ و لعابی زنانه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از آن به‌عنوان «زنانه‌های یک آیین» در «بینه» می‌توان یاد کرد و رنگ حضور تاریخی زنان را در جشن‌های نوروز بر اساس منابع تاریخی جست.

**سه - جشن‌های سبزه‌دوم نوروز: نمود تاریخی شادی دختران**

روزهای سال نو که سبزی می‌شد، با پایان یافتن دیوها و بازیدها، این آیین دربرینه در فرهنگ ایرانی، با جشنی دیگر پایان می‌یافت که آن هم پیش از دیگر آیین‌ها و جشن‌های ایرانی، رنگی زنانه بر خود می‌گرفت؛ تاریخ رایج، این گونه بر ابرامان روایت می‌کند: کارلا رابینس، جهانگرد انگلیسی که همراه با همسر خود، عضو هیأت مذهبی و تبلیغی مسیحی در جلفای اصفهان در اواخر دوره قاجار به ایران آمده است، در کتاب سفرنامه خود «زن ایرانی و راه و رسم زندگی آنان»، چکیده تصویر زنانه این جشن پایانی نوروز را بر ابرامان نقش می‌یابد «همه می‌خوانند به بیرون شهر و باغ‌ها و مزارع اطراف روند. بیرون شهر، در کنار قهوه‌خانه‌ها یا دشت و صحرا، مردان بسیاری را می‌توان دید که کنار هم نشستند و جشن گرفته‌اند؛ شماری از زنان قلیان و سماور برمی‌دارند و چند ساعتی را در زیارتگاه، در گوشه کشتزاری، یا بهتر از همه در باغی می‌گذرانند. ایرانی طالب لذت و شادی است و هر چه هم این شادی ساده‌تر باشد از آن لذت می‌برد. ویژگی‌های مردم بندرت از دوران حکیم عمر خیام تغییر کرده است». بررسی منابع تاریخی به‌ویژه سفرنامه‌ها بیانگر وضعیتی ویژه برای زنان در این روز است. لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در تهران ناصرالدین شاه از شرایطی ویژه سخن می‌راند که در این روز بر باغ‌های برخی سفارتخانه‌های اروپایی حاکم بوده است؛ به روایت فرشته پناهی در کتاب «زن ایرانی در سفرنامه‌ها»، بدین گونه که «چند سالی هم رسم بر این بوده که باغ سفارتخانه‌ها در این روز، اختصاص به زنهای طبقات گوناگون

## زنانه‌های یک آیین کهن؛ روایت منابع تاریخی از رنگ حضور تاریخی زنان در جشن‌های نوروز

# عید دیرینه‌زن

مژگان جعفری |

«شرقی‌ها به‌طور کلی هر نوع نمایش چشم‌نواز را دوست دارند و برای ایرانیان، هیچ چیز خوش‌آیندتر از آتش‌بازی نیست... جمعیت، با لباس‌های عجیب و رنگارنگ که هرازگاهی روشنایی خیال‌انگیز آتشبازی‌ها روی آنها را نور می‌پاشد، نظامیان بی‌حرکت که در دوسوی پیاده‌روها صف بستند، ساززن‌ها که روی زمین نشسته بودند، انبوهی زن که خود را در چادر پیچیده، و روی پشت‌بام‌های کوتاه و پست خانه‌ها به تماشا ایستاده بودند، منتظرهای را تشکیل می‌دادند، که نظیر آن را تنها در شرق می‌توان یافت». این روایت کارلا سرن، جهانگرد زن وینزی که در دوره ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمده است، از یک جشن نوروزی با فرارسیدن این آیین دیرینه در ایران، نه تنها ما را در میانه آن جشن‌ها به روزگار گذشته می‌برد که در بچه‌های پیش‌رومان می‌گشاید تا از آن راه با حضور زنان در آیین‌های نوروزی رو به‌رو شویم. بررسی منابع تاریخ اجتماعی ایران به‌ویژه در دوره اخیر، یافته‌هایی تازه از پیوند میان جشن‌های نوروزی با حوزه زنان به ما وامی‌گذارد. در این بررسی با شگفتی می‌یابیم که برخی از آیین‌ها و مناسبت‌های یادشده اساساً رنگ و لعابی زنانه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که از آن به‌عنوان «زنانه‌های یک آیین» در «بینه» می‌توان یاد کرد و رنگ حضور تاریخی زنان را در جشن‌های نوروز بر اساس منابع تاریخی جست.

نیز وظایفی اختصاصی برعهده داشته‌اند. عبدالله مستوفی به مسئولیت خانم هر خانه در تهیه فاخرترین غذاها برای شنب و روز عید اشاره کرده، می‌نویسد «کمتر خانهای بود که در این دوروزه می‌زدند و «همه افراد، اعم از مرد و زن و کودک، لباس‌های خوش نقش‌ونگار که حاصل هنرمندی زنان و دختران می‌باشد بر تن» می‌داشتند.

**سه - جشن‌های سبزه‌دوم نوروز: نمود تاریخی شادی دختران**  
روزهای سال نو که سبزی می‌شد، با پایان یافتن دیوها و بازیدها، این آیین دربرینه در فرهنگ ایرانی، با جشنی دیگر پایان می‌یافت که آن هم پیش از دیگر آیین‌ها و جشن‌های ایرانی، رنگی زنانه بر خود می‌گرفت؛ تاریخ رایج، این گونه بر ابرامان روایت می‌کند: کارلا رابینس، جهانگرد انگلیسی که همراه با همسر خود، عضو هیأت مذهبی و تبلیغی مسیحی در جلفای اصفهان در اواخر دوره قاجار به ایران آمده است، در کتاب سفرنامه خود «زن ایرانی و راه و رسم زندگی آنان»، چکیده تصویر زنانه این جشن پایانی نوروز را بر ابرامان نقش می‌یابد «همه می‌خوانند به بیرون شهر و باغ‌ها و مزارع اطراف روند. بیرون شهر، در کنار قهوه‌خانه‌ها یا دشت و صحرا، مردان بسیاری را می‌توان دید که کنار هم نشستند و جشن گرفته‌اند؛ شماری از زنان قلیان و سماور برمی‌دارند و چند ساعتی را در زیارتگاه، در گوشه کشتزاری، یا بهتر از همه در باغی می‌گذرانند. ایرانی طالب لذت و شادی است و هر چه هم این شادی ساده‌تر باشد از آن لذت می‌برد. ویژگی‌های مردم بندرت از دوران حکیم عمر خیام تغییر کرده است». بررسی منابع تاریخی به‌ویژه سفرنامه‌ها بیانگر وضعیتی ویژه برای زنان در این روز است. لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس در تهران ناصرالدین شاه از شرایطی ویژه سخن می‌راند که در این روز بر باغ‌های برخی سفارتخانه‌های اروپایی حاکم بوده است؛ به روایت فرشته پناهی در کتاب «زن ایرانی در سفرنامه‌ها»، بدین گونه که «چند سالی هم رسم بر این بوده که باغ سفارتخانه‌ها در این روز، اختصاص به زنهای طبقات گوناگون

سال را به مناسبت همین جشن و سرور، به دید و بازدید آشنایان و دوستان اختصاص می‌دهند... در دربار نیز، در یکی از روزهای اوایل سال نو، ملکه مادر مراسم «سلام زنانه» ای را در محدوده خود برپا می‌کند، که شاهزاده خانم‌ها و اطرافیانشان در آن شرکت می‌کنند و ضمناً از خانم‌ها سفرای اروپایی نیز، در این مراسم دعوت بعمل می‌آید». این سنت آخر، همانی است که کارلا سرن، جهانگرد وینزی به تفصیل جزئیات آن را روایت کرده است. این بانوی جهانگرد در «سفرنامه مادام کارلا سرن» آمده است که در دربار این دیدار ویژه نوروزی می‌نویسد «در ایام نوروز، خانم‌های سرشناس از رفتن به دیدن ملکه انیس‌الدوله غفلت نمی‌کنند و این روزها را برای مطرح کردن درخواست‌هایی که از سوگلی شهاد دارند معتنم می‌شمارند، ضمناً اهدای تحفه‌های سنتی از قبیل شیرینی، مربا، نقل و نبات که لای آنها با مهارت خاصی جواهرات گرانبها و کیسه‌های کوچک

**دو - نوروز و زنانه‌هایی دو رنگ و طعمی دیگر می‌دهند**  
«از شروط سواد اول سال نو بود که ... زن‌ها که برنج پاک کرده و یا آرد خمیر می‌کردند، به این حساب که تا آخر سال دستشان در نعمت و برکت بوده باشند و اولین رفت و آمدشان از اطاق به خارج بطرف بقال (مستراح) بود که آن چار یا پتیرن و خوش‌نمن‌ترین اماکن میدانستند، چنانچه در خرید کفش و چادر نیز به همین طریق که اول باید با آنها به میل برنوند، در این اعتقاد که تا پاره نشوند به عروسی و میهمانی و جشن و سرور می‌روند». این توصیف جذاب نگارنده کتاب «پهران قدیم» فرارسیدن نخستین روز فروردین، جشن‌های نوروزی ایرانیان را به مرحله‌ای تازه وارد می‌کرد. با وجود حضور همه افراد جامعه از مردان و زنان و کودکان و تا کهکسالان، اما باز می‌توان رنگی جذاب از حضور زنانه را در این میانه در تاریخ ایران جست. با روایت یاکوب ادوارد پولاک، پزشک اتریشی دربار ناصرالدین شاه قاجار، در کتاب «سفرنامه پولاک» ایران و ایرانیان «با زنان ایرانی در جشن‌های آغازین روزهای سال همراه می‌شویم «هرکس از دستش برآید و به خصوص هر زنی در نوروز لباس نو ب‌آه بَر می‌کند. به همین دلیل کار تهیه و فروش پارچه در این ایام به حد اکثر قوت می‌رسد... به خصوص شلوار پف‌کرده ابریشمی چیزی است که چشم همه زن‌ها به دنبال آن است و باعث خانه‌خرابی شوهرها می‌شود». توصیف منابع تاریخی در این میانه نیز بیانگر تمایزی است که آداب زنانه نوروزی با دیگر سنت‌های همگانی نوروزی داشته‌اند. فرشته پناهی در کتاب «زن ایرانی در سفرنامه‌ها» در این باره چنین می‌نویسد «زنان تمام روزهای اولین ماه

به نوروزی و میهمانی و جشن و سرور می‌روند». این توصیف جذاب نگارنده کتاب «پهران قدیم» فرارسیدن نخستین روز فروردین، جشن‌های نوروزی ایرانیان را به مرحله‌ای تازه وارد می‌کرد. با وجود حضور همه افراد جامعه از مردان و زنان و کودکان و تا کهکسالان، اما باز می‌توان رنگی جذاب از حضور زنانه را در این میانه در تاریخ ایران جست. با روایت یاکوب ادوارد پولاک، پزشک اتریشی دربار ناصرالدین شاه قاجار، در کتاب «سفرنامه پولاک» ایران و ایرانیان «با زنان ایرانی در جشن‌های آغازین روزهای سال همراه می‌شویم «هرکس از دستش برآید و به خصوص هر زنی در نوروز لباس نو ب‌آه بَر می‌کند. به همین دلیل کار تهیه و فروش پارچه در این ایام به حد اکثر قوت می‌رسد... به خصوص شلوار پف‌کرده ابریشمی چیزی است که چشم همه زن‌ها به دنبال آن است و باعث خانه‌خرابی شوهرها می‌شود». توصیف منابع تاریخی در این میانه نیز بیانگر تمایزی است که آداب زنانه نوروزی با دیگر سنت‌های همگانی نوروزی داشته‌اند. فرشته پناهی در کتاب «زن ایرانی در سفرنامه‌ها» در این باره چنین می‌نویسد «زنان تمام روزهای اولین ماه

**یک - اوایلین چهارشنبه سال؛ پیش‌درآمدی کامل‌از زنانه**

جشن‌های نوروزی در ایران، از اوایلین چهارشنبه سال کهنه آغاز می‌شود و با جشن‌های ویژه سیزدهمین روز سال نو پایان می‌یابد. ایرانیان در گذشته با تدارک فراوان، اوایلین چهارشنبه سال را گرامی می‌داشتند. جشن‌هایی که چهارشنبه‌سوری نامیده می‌شد اما پیش از همه آیین‌های نوروزی، رنگ زنانه داشته‌اند. چرا؟ به روشنی نمی‌توان بیان داشت. آنچه اما مشخص است منابع تاریخی از جزئیات جشن‌هایی در این میانه نام برده‌اند که تماماً زنانه بوده‌اند. عبدالله مستوفی، کارگزار خوشنام دولتی در دوره‌های قاجار و پهلوی اول و نگارنده کتاب «شرح زندگانی من» در این باره چنین می‌نویسد «شب چهارشنبه آخر سال، در خانه‌ها آتش افروزی می‌کردند و زن‌ها باین کار خیلی علاقه داشتند، مقداری پوته در یک سبک حیاط کپه‌کپه این می‌گذاشتند و آتش می‌زدند و از روی آنها می‌پیریدند. این می‌زدند و سبک‌های دو سه بار از سر تا ته تکرار میشد و این ذکر را هم در ضمن می‌گفتند: غم برو، شادی بیاید محنت بسرو، روزی بیاید در دفعه بعد این ذکر را که آتش می‌خاستب آن بود، باید بگویند: زردی را که من تو سرخی تو از من سرخی تو از من، زردی من از تو». جزئیات بیشتر از حضور و بروز زنان در آیین‌های گوناگون چهارشنبه‌سوری را از در بچه توصیف‌های جعفر شهیری، تاریخ‌نگار فرهنگ و زندگی مردم تهران قدیم می‌توان دریافت. او در کتاب «پهران قدیم» هنگام توصیف «آداب شب چهارشنبه‌سوری» با اشاره به تخلیه و تعویض آب‌های حوض‌های خانه‌ها می‌نویسد «قبلاً زن‌ها ظروف دم‌دستی و سبیس هرچی کثیف شستنی خود، مانند البیسه، علی‌الخصوص لباس‌های زیر داخل هم شسته و آب کشیده به روی بند پهن می‌کردند، به نیت اتصال خانواده از بغل به همشان گره می‌زدند». روایت این تاریخ‌نگار برجسته به گونه‌ای است که گویی در روزگار قدیم به‌ویژه در تهران عمر قاجار، چهارشنبه‌سوری یک آیین زنانه بوده است. او در این توصیف از آدابی چون «آب دباغخانه»، «حمام جهودها»، «چله‌بری»، «قلیاب سسر که»، «توب مروارید»، «بزرگ شمش»، «فال گوش» و «قاشق‌زنی» نام می‌برد که به سنت زنان بوده‌اند؛ در حالی که پیش از این، تنها دو سنت «فال گوش» و «قاشق‌زنی» را در دست کارهایی برمی‌شمردیم که زنان در گرامی داشت و اوایلین چهارشنبه‌سور انجام می‌دادند. آگاهی درباره برخی از این آداب که زنان ایرانی در گذشته انجام می‌دادند، می‌تواند تصویری جذاب از آیین‌های زنانه نوروزی در تاریخ ایران به دست دهد، به‌ویژه آن که بخشی از آداب یادشده، از آن دسته باورهای همگانی جامعه برمی‌آمده است که امروزه به دلیل رشد آگاهی‌ها برافزادند. نخستین کار بعد از ظهر سه‌شنبه‌سور، پایان سال به روایت جعفر شهیری، آن بود که «سحرزده‌ها و سیاه‌بخت‌ها و بختیسته‌ها، مثل دختران و بیوه‌زنان خانمانده، روانه دباغخانه شدند تا آب آنرا بدست آورند و رسوم این کار چنین بود که هر یک کوزه یا شیشه‌ای برداشته رخت و کفش کهنه پوشیده جلوتر را پوشیده در اطاقی که درش رو به جنوب باز شود جمع شده از آن‌ها با هم حرکت بکنند و سخنانشان تا دباغخانه همه از بریدن و دریدن و شکستن و ریشه‌کن کردن و پر دادن و سوزاندن و بیرون کردن و مانند آن باشد تا به دباغخانه برسند، مانند «حاج میر آقا درخت عرعرش را انداخت». «برایه‌خانم پسر چادرش به میخ در کوچه گرفت درید». و «آن قدر از این حرف‌ها بزنند تا به دباغخانه برسند. در این اعتقاد که این سخنان در زبان ابطلال سحر و گرفتاری و